

فصلنامه علمی کاوش‌نامه
سال بیستم، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴۳
صفحات ۱۳۱ الی ۱۵۸

ضرورت تصحیح دوباره کتاب قرّة العین*

دکتر سلمان ساکت

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد^۱

زهرا محمودی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

قرّة العین یا قرّة العیون یکی از متون کهن فارسی در زمینه تطبیق امثال عربی و فارسی با یکدیگر و نیز با آیات قرآن است که بیش از چهل سال پیش به کوشش امین پاشا اجلالی بر مبنای دو نسخه دانشگاه تهران (مورخ ۸۶۷ هـ. ق.) و کتابخانه ملی تبریز (مورخ ۹۳۸ هـ. ق.) تصحیح و در سلسله انتشارات استادان زبان فارسی چاپ و منتشر شده است. این مقاله بر آن است تا با بررسی این چاپ و مقایسه آن با نسخ کهن کتاب، کاستی‌ها و اشکالات این تصحیح را نشان دهد و ضرورت تصحیح دوباره آن را گوشزد نماید. در این راستا، افزون بر دو نسخه مورد استفاده اجلالی، از نسخه‌های همایی (مورخ ۶۵۱ هـ. ق.)، کتابخانه فاتح (مورخ ۷۲۲ هـ. ق.)، دو دستنویس کتابخانه ایاصوفیا (یکی مورخ ۸۹۷ هـ. ق. و دیگری از سده نهم) و نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی (مورخ ۹۰۲ هـ. ق.)، بهره برده و نشان داده‌ایم که انتخاب نابجای نسخ مورد استفاده علی‌رغم شناخت نسخ کهن‌تر، بهتر و صحیح‌تر، عدول بی‌جهت از ضبط نسخه اساس، ثبت نادرست یا بعضاً ناقص اختلاف دو نسخه و ذکر نکردن برخی اختلافات، مهم‌ترین اشکالات این چاپ بوده است. دسترسی به دستنویس‌های مهم شناخته شده و نویافته از دیگر دلایل ضرورت تصحیح دوباره اثر است که از یک سو، در انتخاب ضبط صحیح‌تر واژه‌ها و عبارات، مؤثر است و از سوی دیگر، نشان می‌دهد که مثل‌ها، حکایات و اشعاری در متن اصلی اثر وجود داشته که در دو نسخه مورد استفاده مصحح افتادگی داشته و بدین دلیل، به کتاب راه نیافته و از چشم خوانندگان دور مانده است.

واژگان کلیدی: قرّة العین (قرّة العیون)، تصحیح متن، نسخه‌شناسی، امثال فارسی و عربی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۷/۲۳

۱- نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: saket_salman@yahoo.com

۱ - مقدمه

قرّة‌العین که گاه قرّة‌العیون خوانده شده^۱، کتابی است نوشته قاضی اوش (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۵) در اواخر سده پنجم یا سده ششم هجری (هم‌او، ۱۳۹۲: ۵۲) که با هدف فراهم کردن مجموعه‌ای از امثال سایر و حکایات رایج در میان مردم و اصحاب بلاغت با تکیه بر آیات قرآن، به رشته تحریر درآمده است. این اثر از یک مقدمه و چهار قسم و یک مؤخره تشکیل شده است.

مؤلف در مقدمه، هدف اصلی خود را از نگارش این کتاب، ارائه رساله‌ای برای کاتبان و خطیبان دانسته تا در نوشتار و گفتار خود، از آن بهره گیرند. عنوان قسم اول، «فی الامثال» است که از سه فصل «فی الامثال المفردة»، «فی الامثال و الاشعار متمثل بها» و «فی الامثال و الحکایات اللّائقة بها» فراهم آمده است. قسم دوم «فی المحاورات و الالفاظ الّتی تجری مجری المحاوره» نام دارد که مجموعه‌ای است از جملات و عبارات قرآنی در دوازده فصل که هر جمله یا عبارت با جمله‌ای فارسی همراه شده است. این جملات فارسی اغلب ترجمه آیه و گاه عبارتی با مضمونی شبیه به آیه است.

قسم سوم «فی الحکایات المرتبطة بالآیات» است که مشتمل بر حکایت‌هایی است که محور اصلی آنها به‌کارگیری آیات قرآنی از زبان شخصیت‌ها یا راوی داستان است. قسم چهارم که از سایر قسم‌ها کوتاه‌تر است، «فی الابیات و الآیات اللّائقة بها» نام دارد که در آن ابیات یا مصراع‌هایی با آیات قرآن تطبیق یافته است. مؤخره کتاب که عنوان «فصل» دارد بسیار کوتاه و در حد یکی دو صفحه و به‌طور عمد دربارۀ ارزش و اهمّیت کتاب است.

قرّة‌العین از وجوه مختلف دارای اهمّیت است: تعداد قابل توجهی امثال عربی و فارسی دارد که مؤلف آنها را نه‌تنها با یکدیگر، بلکه با آیات قرآن نیز تطبیق داده است؛ مشتمل بر حکایاتی بدیع و خواندنی است که در خلال آنها آیات قرآن به‌کار رفته و بخوبی، استفاده صحیح آنها را در موقعیت‌های مختلف به خواننده می‌آموزد

(دوفوشه کور، ۱۳۷۷:۱۸۶)؛ اشعار فارسی و عربی با یکدیگر و ابیات و مصرع‌های فارسی با آیات قرآن، تطبیق یافته که در نوع خود، جالب و تازه است؛ وجود بیتی به زبان رازی از بندار رازی در متن از نظر پژوهش‌های زبان‌شناختی مهم و درخور توجه است؛ وجود رباعی یا رباعیاتی از خیام که در حوزه پژوهش‌های خیام‌شناسی و رباعی‌پژوهی اهمیتی بسزا دارد.^۲

۲- معرفی چاپ پیشین

قرّة‌العین پیش از این یک‌بار، در سال ۱۳۵۴ خورشیدی به کوشش امین‌پاشا اجلالی، استاد پیشکسوت ادبیات دانشگاه تبریز، به چاپ رسیده است. او کتاب را براساس دو نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مورخ ۸۶۷ هـ. ق.) و کتابخانه ملی تبریز (مورخ ۹۳۸ هـ. ق.)، تصحیح و همراه با مقدمه‌ای کوتاه در انتشارات انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی منتشر کرد.

هرچند اجلالی در مقدمه‌اش، شش نسخه از این اثر را معرفی کرده است که در میان آنها نسخ کهن‌تر، از جمله دستنویس کتابخانه فاتح (مورخ ۷۲۲ هـ. ق.) وجود دارد، اما بدون ذکر هیچ دلیلی، تنها از دو نسخه یاد شده در تصحیح خود استفاده نموده است. تعلیقات وی بر کتاب اندک است و به توضیح مختصر اعلام تاریخی و جغرافیایی خلاصه می‌شود.

در این بخش، درباره امثال فارسی و عربی هیچ توضیحی وجود ندارد و به جای آن، مصحح در همان مقدمه، درباره بعضی از امثال، توضیحاتی از کتب مختلف از جمله مجمع‌الامثال میدانی، امثال و حکم دهخدا و دیگر کتب آورده است. کتاب تعداد قابل توجهی ابیات عربی و فارسی دارد، همچنین مشتمل بر حکایات مختلف و متنوعی است که برای هیچ‌یک از آنها مأخذ و مرجعی ارائه نشده است. این تصحیح تنها دو فهرست اعلام تاریخی و جغرافیایی دارد و فاقد فهرست مراجع و منابع است.

اجلالی متن را به شیوه نسخه اساس تصحیح کرده و نوشته است: «طبق روش متداول نسخه «ط» [نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مورخ ۸۶۷ هـ. ق.] را که از حیث کتابت قریب هفتاد سال کهن‌تر است نسخه اصل قرار دادم و از نسخه «ت» [نسخه کتابخانه ملی تبریز مورخ ۹۳۸ هـ. ق.] به علت تأخر زمانی کتابتش، به عنوان نسخه بدل استفاده کردم و اختلاف آنها را در پاورقی بیان کردم» (قرّة‌العین، ۱۳۵۴: پانزده).

این جستار بر آن است تا با بررسی چاپ اجلالی و مقایسه آن با نسخ کهن کتاب کاستی‌ها و اشکالات این تصحیح را نشان دهد و ضرورت تصحیح دوباره آن را گوشزد نماید.

۳- پیشینه تحقیق

تا آنجا که می‌دانیم نخستین کسی که این اثر را شناخته و از آن بهره برده است، علامه دهخدا بوده که در لغتنامه و امثال و حکم خود از دستنویس آن استفاده کرده است.^۳ در سال ۱۳۳۸ (هـ. ش) مهدی بیانی در مقاله‌ای با عنوان «قرّة‌العین»، نسخه مورخ ۸۴۵ هـ. ق. این اثر را که در کتابخانه گلستان نگهداری می‌شده معرفی کرده است.

در سال‌های اخیر نیز علی صفری آق‌قلعه در دو مقاله جداگانه، درباره شعر بندار رازی که به زبان رازی در کتاب آمده و نیز نویسنده اثر که احتمالاً قاضی اوش بوده، بحث کرده است (رک: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۲ و هم‌او، ۱۳۹۳). او با عنایت به نوشته عوفی که از فردی به نام «قاضی اوش» یاد کرده، حدس زده است که نویسنده قرّة‌العین قاضی اوش باشد.

عوفی در جوامع الحکایات و لوامع الروایات، از فردی به نام «قاضی اوش» یاد می‌کند و درباره او می‌نویسد: «قاضی اوش از جمله مسجعان لطیف‌طبع نیکو سخن بوده است و او را در این باب، کتابی است که آن را مفتاح‌النجاح نام نهاده است...».

در ادامه حکایت، قاضی اوش به فرغانه بازمی‌گردد و چون می‌دانیم که اوش شهری در ولایت فرغانه بوده است، نسبت قاضی به اوش غریب نمی‌نماید. همچنین، در پایان حکایت، شعری فارسی آمده که قوافی آن ضبط «قاضی اوش» را تأیید می‌کند:

کریمان سجستان را بقا باد شراب روح و راحت بادشان نوش
غرور من بخوردند آن کریمان ز راه لطف با آن دانش و هوش
نبودم گنگ سقا لیک بودم جهان علم و دانش قاضی اوش
(صفری، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۴)

همچنین، سلمان ساکت و زهرا محمودی در مقاله‌ای با عنوان «معرفی و بررسی کهن‌ترین نسخه شناخته شده قرّة العین (کتاب امثال و حکم)» که در سال ۱۳۹۶ در مجله آینه میراث به چاپ رسیده، نسخه مورخ ۶۵۱ هـ. ق. را که متعلق به علامه همایی و تا آن زمان ناشناخته بوده، معرفی کرده و اهمیت آن را در تصحیح دوباره قرّة العین و تحدید زمان نگارش آن یادآور شده‌اند.

۴- ضرورت تصحیح دوباره

۴-۱- ذکر نکردن بعضی از نسخه بدل‌های مهم

در پاره‌ای از موارد نسخه بدل (ضبط نسخه کتابخانه ملی تبریز) ذکر نشده است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

چاپ اجلالی	ضبط نسخه بدل ذکر نشده (نسخه کتابخانه ملی تبریز)
مثلی بدیع نیست که بلغا و فصحای بلدان... (ص ۳)	مثلی بدیع نیست که بلغای دوران و فصحای بلدان...
نیکی و بدی به جای خویش کند (ص ۱۹)	مردم نیکی و بدی به سوی خود کند
پارسا باش و نسبت از خود کن (ص ۳۴)	پارسا باش و نسبت از خود جوی

پشت سپه گران سواری دارد (ی بدل از کسره)	پشت سپه گران سواری دارد (ص ۳۹)
بیت چون رفت قضا و بودنی‌ها همه بود برجستن و فریاد تو کی دارد سود	_____ (ص ۵۰)
یکی از دوستان نزدیک من درآمد	یکی از دوستان نزدیک من آمد (ص ۵۲)
لکل مکان مقال	لکل مقام مقال (ص ۵۴)

۴- ۲- ثبت نادرست یا ناقص ضبط نسخه اساس یا نسخه کتابخانه ملی

تبریز

در چاپ اجلالی، گاه ضبط نسخه اساس یا دستنویس کتابخانه ملی تبریز نادرست یا ناقص ثبت شده است که در زیر، به موارد مهم‌تر اشاره می‌شود:

چاپ اجلالی	ضبط نسخه	
ت: به پایان عقبه جو دهی سود ندارد (ص ۱۴)	به پای عقبه جو دهی سود ندارد (که ضبط بهتر و صحیح‌تر است)	۱
ت: پندهای مرا بسیار یاد خواهی کرد (ص ۱۷)	پندهای مرا بسیار یاد خواهی آورد	۲
ت: بهی کن که بهی به (ص ۲۰)	بهی کن که بهی به و راستی	۳
ت: ابله را در سخن بتوان شناخت (ص ۲۱، بدون نسخه بدل)	ت: ابله را در سخن بتوان دانست	۴
ت: کارکن کارفرمای را دشمن دارد (ص ۲۵)	کارگر کارفرمای را دشمن دارد	۵
ت: یکی تیغ هندی دگر اُستره (ص ۲۷)	ط، ت: یکی تیغ هندی دگر دَستره	۶
ت: خواجه از مکرمت نیابد زر	خواجه از مکر می‌بتابد زر	۷

	(ص ۲۹)	
۸	ط: کالای نیک گران توان یافت (ص ۵۰)	کالای نیکو گران توان یافت
۹	ط: فی تقبیح الکذب و الکذاب (ص ۶۱)	ط: فی تقبیح الکذب و ذم الکذاب
۱۰	ط: گرد او به گرد او درآمد (ص ۶۳)	کرد او به گرد او درآمد
۱۱	ت: گفت: سهل است. اگر مراد هست مرا به نزدیک او فرست (ص ۹۱؛ در نسخه اساس نیست)	گفت سهل است اگر مرد اهل است

در ردیف نخست، بی تردید ضبط نسخه بهتر و صحیح‌تر است چرا که اگر در آغاز راه به چهارپا جو دهند، انگیزه‌ای برای بارکشی بویژه در گردنه‌ها وجود نخواهد داشت. در *امثال و حکم* نیز این مثل به صورت «ستور را به پای عقبه جو دهند سود ندارد» آمده است (دهخدا، ۱۳۸۳: ۹۴۷/۲)۴.

در ردیف چهارم، «دانستن» به معنای «شناختن» است که در هر دو نسخه آمده و در متون ادب فارسی فراوان به کار رفته است و معلوم نیست که مصحح کتاب چرا آن را تغییر داده است.

در ردیف ده، «گرد» اشتباه است و در این مثل معنای خاصی ندارد و بی تردید «کرد» به معنای کردار صحیح است که در متون ادب فارسی به وفور دیده می‌شود (رک: دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل «کرد»).

در ردیف یازده، آنچه در چاپ اجلالی آمده معنای درخوری ندارد، حال آنکه ضبط نسخه نه تنها در بافت حکایت بهتر معنی می‌دهد که بی تردید موسیقی میان واژه‌های «سهل» و «اهل» نیز مورد نظر مؤلف بوده است.

۴-۳- عدول بی جهت از ضبط نسخه اساس

در مواردی بسیار اندک، مصحح بدون هیچ دلیلی از ضبط نسخه اساس، عدول کرده است، برای نمونه:

ضبط نسخه / نسخه‌ها	چاپ اجلالی	
ط،ت: بلا لسان یری و لا ادب	بلا لسان اریب و لا ادب (ص ۳۴)	۱
ط: بدیع همدانی... به جرأت زبان و فصاحت بیان در محادثه و ملاطفه تازی و پارسی	بدیع همدانی... به جرأت زبان و فصاحت بیان در محادثه و ملاطفه تازی و پارسی (ص ۹۴)	۲

در ردیف یک، عبارت « بلا لسان یری و لا ادب » مصراعی است منسوب به علی بن ابی طالب (ع) (دمانیسی سیواسی، ۱۳۸۱: ۲۶؛ هم‌او، ۱۳۹۳: ۱۰۰) که صورت کامل آن چنین است:

كُنْ أَبْنَاءَ مَنْ شِئْتَ وَ اَكْتَسَبْ اَدْبًا يُغْنِيكَ تَحْصِيلُهُ عَنِ النَّسَبِ
فَلَيْسَ تُغْنِي النَّسَبَ نَسَبُهُ بَلَا لِسَانَ يَرِي وَ لَا اَدْبِ

در ردیف دو، به احتمال زیاد همان ضبط «ملاطفه» صحیح است، چراکه هرچند به معنای «نیکویی کردن و مهربانی» است و دهخدا (۱۳۷۳: ذیل «ملاطفه») آن را مجازاً به معنای «مکتوب» و «مراسله» هم دانسته، ولی «ملاطفه» شکل دیگری است از «ملطفه» که پس از حذف یک «ط» از واژه اصلی، مصوت قبل از آن کشیده شده و به صورت «ملاطفه» درآمده است که خود در شمار تحولات نامأنوس کلمات عربی در زبان فارسی است (صادقی، ۱۳۷۳: ۲).

ملاطفه/ ملطفه یکی از اصطلاحات دیوانی در دوره غزنویان و سلجوقیان است که به معنای مطلق نامه و نوشته به کار می‌رفته است و شواهد کاربرد آن در متون ادب فارسی با معنای رایج که آن را «نامه‌ای کوتاه و کوچک» معرفی می‌کند، همخوانی ندارد (آدینه کلات و ساکت: ۱۳۹۲: ۳۰۹-۳۲۲).

در عبارت ردیف دو، مشخص است که مؤلف «جرأت زبان» و «فصاحت بیان» را هم در سخن گفتن (= محادثه) و هم در نامه‌نگاری (=ملاطفه) برای بدیع همدانی به کار برده است.

۴-۴- دسترسی به دستنویس‌های کهن‌تر و بهتر

اگرچه اجلالی در مقدمه خود شش نسخه از قرّة العین را به کوتاهی معرفی کرده اما به دلایل نامشخص، تنها از دو نسخه بهره برده است. جالب آنکه برخی از نسخی که مورد استفاده قرار نگرفته، به کتابخانه‌های داخلی ایران تعلق داشته و احتمالاً، دسترسی به آنها در آن زمان چندان دشوار نبوده است.

تا آنجا که می‌دانیم از این کتاب ۲۵ نسخه در کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد (درایتی، ۱۳۹۰: ج. ۲۵: ۱۴۲، منزوی، ۱۳۴۸: ج. ۵: ۳۵۹۲) تا چندی پیش، نسخه ۴۰۶۴ کتابخانه فاتح (مورخ ۷۲۲ هـ. ق.) را کهن‌ترین نسخه کتاب می‌دانسته‌اند (قرّة العین، ۱۳۵۴ و صفری، ۱۳۹۲)؛ حال آن‌که نسخه‌ای نویافته متعلق به کتابخانه علامه همایی مورخ ۶۵۱ هـ. ق. - که هم‌اکنون در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود- قدیمی‌ترین دست‌نویس شناخته شده اثر است.

سایر نسخ کتاب از سده نهم بدین سو کتابت شده که از آن میان شش نسخه متعلق به سده نهم است. گذشته از دو نسخه‌ای که مینوی با استفاده از قرائن نسخه-شناسی تاریخ کتابت آنها را سده نهم دانسته (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹: صص ۳۸۱-۳۸۳)، چهار نسخه دیگر تاریخ کتابت دارند که عبارتند از: نسخه کتابخانه سلطنتی (کاخ گلستان) مورخ ۸۴۵ هـ. ق. که امروزه اثری از آن به دست نیامده و آگاهی ما از آن از رهگذر مقاله مهدی بیانی است (نک: بیانی، ۱۳۳۸: ۶۶۸-۶۷۲)؛ نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مورخ ۸۶۷ هـ. ق. که از پایان اندکی افتادگی دارد؛ نسخه‌های کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۴۶۹۴ و ۴۱۶۳ که اولی مورخ ۸۷۳ هـ. ق. و کامل و دومی مورخ ۸۹۷ هـ. ق. و فاقد قسم چهارم است (حسینی، ۱۳۹۰: ۵۲۹ و ۵۸۲).

دست‌نویس‌های سده دهم نیز عبارتند از: نسخه کامل کتابخانه مرعشی به شماره ۹۸۸۳/۱ مورخ ۹۰۲ هـ. ق.؛ نسخه کامل اما مغشوش کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۵۷۲/۳ مورخ ۹۳۸ هـ. ق. که از نظر حفظ ضبط‌های کهن اعتبار کمی دارد و در نهایت، نسخه مورخ ۹۸۲ هـ. ق. دارالکتب قاهره به شماره ۳/۱ م مجامیع فارسی، که بجز آنچه در فهرست‌ها آمده، هیچ آگاهی دیگری از آن نداریم. سایر دست‌نویس‌های کتاب از سده یازدهم به بعد است که در فهرست‌ها مشخصات آنها آمده است.

در تصحیح تازه کتاب، از میان نسخ برشمرده و علاوه بر دو نسخه مورد استفاده اجلالی، از پنج نسخه دیگر استفاده شده است که در ادامه، معرفی می‌شوند.^۶ گفتنی است دو نسخه همایی (مورخ ۶۵۱ هـ. ق.) و کتابخانه فاتح (مورخ ۷۲۲ هـ. ق.) اهمیت بسزایی دارند.^۷

۴- ۴- ۱- نسخه همایی مورخ ۶۵۱ هـ. ق.

این دست‌نویس رساله نخست از مجموعه‌ای است متعلق به زنده‌یاد جلال‌الدین همایی که به کتابخانه ملی منتقل شده و در آنجا نگهداری می‌شود. این نسخه در ۹۵ صفحه کتابت شده و شامل شش رساله جداگانه است که چون قره‌العین رساله نخست آن است و از آغاز افتادگی دارد، نام آن بر فهرست‌نویس یا شخص همایی معلوم نشده و در نتیجه در فهرست کتابخانه به نام «مجموعه منشآت و امثال» خوانده شده است.

رسائل این مجموعه عبارتند از:

۱. قره‌العین در ۴۱ صفحه.

۲. رساله‌ای موسوم به *اسماء الکتب* در ۸ صفحه که شامل عناوین

چندین کتاب بدون اشاره به نام نویسنده آنهاست و از نظر کتاب‌شناسی

اهمیت بسزایی دارد.

۳. عنایت‌نامه از جلال‌الدین دهستانی در ۷ صفحه که درباره مازندران

است و نویسنده آن «ملک‌الکلام منشی نظم و نثر» لقب داده شده است.

۴. ذکر اوقات صلوة منقول عن خط مولانا الامام الزمانی علماء الدین -

تعمده الله بغيرانه در یک صفحه که همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، به اوقات نماز اختصاص دارد.

۵. اشعار فارسی پراکنده در ۲۳ صفحه که اغلب در قالب رباعی

است.

۶. مجموعه‌ای از نوشته‌های پراکنده که هریک موضوعی جداگانه

دارند.^۸

در این مجموعه تنها در پایان «قرّة العین» تاریخ کتابت آمده است: «تمّ فی غرة

ذی‌القعده سنه احدى و خمسين ستمائة اللهم اغفر لکاتبه و لوالديه و لأستادیه».

بنابراین، کتاب قرّة العین و احتمالاً همه مجموعه در سال ۶۵۱ هـ. ق. نوشته شده است.

بخش قرّة العین در این مجموعه از سطور پایانی فصل دوم از قسم سوم آغاز

می‌شود و پس از آن، بدون افتادگی تا پایان کتاب را دربرمی‌گیرد. خط این رساله

نسخ تحریری است و متن و عناوین بدون هیچ تمایزی با جوهر سیاه نوشته شده‌اند.

در حاشیه برخی از صفحات، عبارات و ابیات فارسی و عربی نوشته شده که به

همان خط متن است. در این بخش، هیچ‌گونه کراسه‌شمار یا برگ‌شمار وجود ندارد

و تنها در برخی از برگ‌ها رکابه دیده می‌شود. تعداد سطور در صفحات رساله

متفاوت و از ۱۷ تا ۱۹ متغیر است.

۴-۲- نسخه کتابخانه فاتح

این دست‌نویس از لحاظ قدمت دومین نسخه کهن موجود است. تاریخ کتابت

آن ۷۲۲ هـ. ق. است و برخلاف نسخه همایی (مورخ ۶۵۱ هـ. ق.) کامل است و

از آغاز و انجام افتادگی ندارد. خط رساله، نسخ تحریری است. عناوین و برخی

کلمات با قلمی درشت‌تر از متن نوشته شده و در پایان هر برگ، رکابه موجود است. رساله در ۵۰ برگ ۱۱ سطری نوشته شده است. تنها نقصی که دارد آن است که در میانه فصل اول از قسم اول ترتیب فصل به هم خورده و ادامه فصل در چند برگ پس از آن آمده است. در ظهر برگ اول، یادداشتی مبنی بر وقف نسخه آمده که چنین است:

«وقف مرحوم حلبی‌زاده مولانا درویش محمد کتاب قرءة العین تألیف الامام العالم المتبحر قاضی اوس رحمه الله و نور ضریحه» و «محصل هذا الكتاب محاضرات بالفارسی»، و یادداشت تملک «من کتب الحقییر احمد بن ... القرشهری». و ترقیمه آن بدین عبارت است:

«تم الكتاب بعون الله و توفيقه فی اواخر محرم المکرم سنه اثنی عشرین و سبع مائة حامداً لله تعالی علی نعمه و مصلیاً علی نبیه محمد و آله الطاهرین و صحبه الأخیار و مسلماً».

۴- ۳- نسخه اول کتابخانه ایاصوفیا

این دست‌نویس در سال ۸۹۷ کتابت شده است و در کتابخانه ایاصوفیا (استانبول) نگهداری می‌شود. قلم آن نستعلیق درشت است با متن مجدول مطلقاً. علائم، عناوین و برخی عبارات به رنگ شنگرف و زر نوشته شده است. رساله دارای ۸۵ برگ و هر برگ دارای ۹ سطر است. کاتب نسخه، محمد حسینی بدخشانی است. رساله در پایان افتادگی دارد و بخش پایانی قسم سوم و نیز قسم چهارم را ندارد. خاتمه‌ای نامرتبط در پایان حکایت کوشیار در قسم سوم آمده و کتاب تمام شده است (مینوی، ۱۳۳۹: ۳۸۲). در ظهر برگ نخست، سه مهر درج شده و تحریر وقف نسخه بدین ترتیب، آمده است:

شماره نسخه با قلمی درشت ۴۱۶۳؛ بعد از آن مهر گرد در ابتدای تحریر وقف: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»، سپس نام عنوان کتاب به رنگ سرخ آمده است: «کتاب قرءة العیون من قبل الموعظ». یادداشت وقف چنین

است: «قَدْ وَقَفَ هَذِهِ النُّسخَةَ الجَمِيلَةَ سُلْطَانًا الأعْظَمَ وِ الخاقانُ المُعْظَمُ مالِكُ البَرِّينِ وِ البَحْرَيْنِ خادِمُ الحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ سُلْطَانِ بنِ سُلْطَانِ الغازی محمودخان. وَقَفًا صحیحاً شرعیاً حرره الفقیرُ أَحْمَدُ شیخِ زاده، المُفْتَشُّ بِأوقافِ الحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ غَفَرَ لهُما».

در زیر این یادداشت، یکی نام محمودخان آمده است به خط طغرا و دیگری مهری بیضوی شکل با این نوشته: «یا رب ز تو توفیق تمنّا کند احمد».

در پایان ترقیمه، بیتی عربی بدین صورت آمده است: «یَلُوحُ الخَطُّ فی القِرطاسِ دَهْرًا وِ کاتبُهُ رَمیمٌ فی التُّرابِ».

کتابه العبدُ الفقیرُ الحَقیرُ الجانی، مُحَمَّدُ الحَسینیُّ البَدْخسانیُّ غَفَرَ اللهُ لَهُ وِ لوالِدَیْهِ وِ لِجَمیعِ المُسْلِمْینِ، آمین! سنه ۱۸۹۷».

این نسخه نسبت به دیگر نسخ، نسخه‌ای خوش‌خوان است و در بعضی موارد افزونی‌هایی بر دیگر نسخ نیز دارد.

۴- ۴- ۴- نسخه کتابخانه مرعشی

این نسخه در اواخر ذی‌القعدة سال ۹۰۲ هـ . ق. کتابت شده است. نسخه‌ای است کامل، به خط نسخ و نستعلیق که در آن، عناوین و برخی کلمات به رنگ سرخ است. رساله در ۱۶ برگ ۱۹ سطری نوشته شده و هر برگ دارای رکابه است. نسخه‌ای کامل و فاقد هرگونه افتادگی است. در ترقیمه نسخه آمده است: «وَ اللهُ تَعَالَى أَعْلَمُ بالصَّوابِ وِ إِلَیْهِ المَرْجَعُ وِ المَأَبُ. فَرَعْتُ بِحَمْدِ اللهِ وِ حُسْنِ تَوْفِيقِهِ مِنْ تَنْسِیخِهِ وِ تَنْمِيقِهِ فی أواخرِ ذِی القَعْدَةِ سَنَةِ اثْنی وِ تِسْعِمائِهِ. وَ صَلَّى اللهُ عَلَی خَیْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وِ آلِهِ وِ ذَوْبِهِ».

به یادگار نوشتن خطی که ایامی بدین بهانه عزیزان کنند از ما یاد

و در هامش به خط دیگر نوشته شده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِكاتبِهِ وِ قاریهِ وِ لِصاحبِهِ وِ لِمَنْ نَظَرَ فیهِ». این نسخه نیز به مانند نسخه پیشین (ایاصوفیا) علاوه بر داشتن متن کامل، نسبت به دیگر نسخ، اضافاتی دارد.

۴- ۴- ۵- نسخه دوم کتابخانه ایاصوفیا

این دست‌نویس فاقد تاریخ است، لکن مرحوم مینوی براساس قراین، تاریخ کتابت آن را قرن نهم دانسته‌است. خط دست‌نویس، نسخ ریز است در ۳۸ ورق با یادداشت وقف سلطان محمود عثمانی در برگ نخست که بسیار شبیه یادداشت وقف نسخه اول کتابخانه ایاصوفیاست: «قَدْ وَقَفَ هَذِهِ النُّسخَةَ الْجَمِيلَةَ سُلْطَانَنَا الْأَعْظَمُ وَالْخَاقَانُ الْمُعْظَمُ مَالِكُ الْبَرِّينِ وَالْبَحْرَيْنِ خَادِمُ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ سُلْطَانِ بْنِ سُلْطَانِ الْغَازِي مُحَمَّدِ دَخَانَ. وَقَفًا صَحِيحًا شَرْعِيًّا حَرَّرَهُ الْفَقِيرُ أَحْمَدُ شَيْخُ زَادِهِ، الْمَفْتَشُ بِأَوْقَافِ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ عَفَرَ لَهُمَا». عنوان کتاب دو بار و به صورت‌های: «قُرَّةُ الْعُيُونِ فِي الْأَمْثَالِ السَّائِرَةِ وَ غَرَائِبِ الْفُنُونِ» و «قُرَّةُ الْعُيُونِ مِنْ قَبْلِ الْأَمْثَالِ وَ الْمَوَاعِظِ» آمده است. درست مانند نسخه اول کتابخانه ایاصوفیا، دارای همان دو مهر و نام سلطان محمودخان به خط طغراست. شماره نسخه که ۴۱۶۲ است نیز به خطی درشت نوشته شده است. متن در تمام صفحات مجدول است به رنگ سرخ و برخی علائم نیز به رنگ شنگرف آمده است. در پایان نسخه، نیز مجدداً نام سلطان محمودخان به خط طغرا نوشته شده است.

این دست‌نویس، کامل و فاقد افتادگی است و از نظر ارزش و اهمیت در میان نسخه‌ها، با توجه به ضبط‌های آن، در ردیف نسخه کتابخانه علامه همایی و کتابخانه فاتح قرار دارد.

شایان ذکر است که ضبط نسخه‌های کتابخانه علامه همایی، کتابخانه مرعشی و نسخه دوم کتابخانه ایاصوفیا در بسیاری موارد به هم شبیه است. مقابله این نسخ با یکدیگر و مقایسه آنها با چاپ اجلالی اختلافات اساسی و مهمی را، چه در واژه‌ها و چه در عبارات نشان می‌دهد؛ بویژه ضبط دستنویس‌های همایی و کتابخانه فاتح بر دیگر نسخ از جمله دو نسخه مورد استفاده اجلالی برتری آشکارا دارند. نمونه‌ای از این اختلافات در ادامه می‌آید.

۵- اختلافات نسخ کهن‌تر با تصحیح اجلالی

۵-۱- واژه‌ها

کتاب	تصحیح جدید	
دنیای کهنه شود اما بنگردد (اجلالی، ص ۸)	دیبا کهنه شود اما پاتابه نگرده	۱
امید به از خورده (اجلالی، ص ۱۰)	امید به از پیش خورد	۲
بر کاغذ نوشت که (اجلالی، ص ۵۱)	بر ظهر، قصه نبشت	۳
امروز کنیزکی به نخاس خانه آورده‌اند (اجلالی، ص ۵۲)	امروز کنیزکی به نخاس آوردند	۴
برقعی بر روی فرو گذاشته (اجلالی، ص ۵۲)	نقابی به روی فروهشته	۵
وقتی یکی از اغنیای بغداد (اجلالی، ص ۷۶)	وقتی یکی را از ابنای دنیا	۶
اکوارهای انگور رازقی و مال‌های انار ملیسی (اجلالی، ص ۸۹)	کواره‌های انگور رازقی و سلّه‌های انار ملیسی	۷
اما رفق معاملات و سبق محافظت ناطفی دل از دست او ر بوده است (اجلالی، ص ۹۱)	اما ربق معاملات و سبق مجاملت ناطفی دل از دست برده است	۸
او را تشریفی نیکو بفرمود (اجلالی، ص ۱۰۱)	او را تشریفی شگرف فرمود	۹
امروز از علمای وقت در علم قرآن ممتاز و مشارالیه تویی (اجلالی، ص ۱۰۱)	امروز از علمای وقت در علم قرآن ممتاز و مستثنی	۱۰

	تویی	ص ۱۰۶)
۱۱	بر سر قصه نبشت	بر ظهر رقعہ نوشت (اجلالی، ص ۱۰۹)
۱۲	که کمر خدمت او چست بر میان بسته‌ای	که تو کمر خدمت او تنگ بر میان بسته‌ای (اجلالی، ص ۱۱۳)
۱۳	دست طمع از مبرّات دیگران گسسته	دست طمع از مبرّات دیگران بشسته (اجلالی، ص ۱۱۳)
۱۴	در پیش قاضی آتش می- سوختند	در پیش قاضی منقل می سوختند (اجلالی، ص ۱۱۹)
۱۵	نه در خور مسجدم نه در خورد کنشت	نه در خور مسجدم نه در خورد بهشت (اجلالی، ص ۱۳۳)

مثل ردیف یک در کتاب، در برابر مثل «الْحَرُّ حُرٌّ وَ إِن مَسَهُ الضَّرُّ» آمده و «دنیا» بی‌تردید تصحیف «دیبا» است.

مثل ردیف دو در کتاب، در برابر مثل «الْمَأْمُولُ خَيْرٌ مِنَ الْمَأْكُولِ» آمده و در کتب امثال به همان صورت «امید به از پیش‌خورد/پیش‌خورده» آمده است (رک: دهخدا، ۱۳۸۳: ۲۷۰/۱ و ۲۸۵/۱).

در ردیف سه، بر اساس قاعده «ضبط غریب‌تر، بهتر»، به نظر ضبط «بر ظهر قصه نبشت» که رسم نوشتن پاسخ در پشت برگه درخواست‌های بی‌اهمیت و کم‌اهمیت را به یاد می‌آورد، بهتر است.

در ردیف چهار، هرچند «نخاس» به معنی «برده‌فروش» است اما مجازاً به معنای بازار یا محل فروش بردگان هم آمده (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل «نخاس») و احتمالاً، چون برخی از کاتبان از این معنای مجازی آگاهی نداشته‌اند، ضبط «نخاس» را به «نخاس-خانه» تغییر داده‌اند.

در ردیف هفت، برای ضبط «مال» در عبارت مورد نظر معنای محصلی نیافتیم، حال آنکه «سلّه» به معنای زنبیل و سبد است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل «سلّه»).

در ردیف هشت، بی‌تردید «ربق» و «مجاملت» با توجه به ساختار عبارت و بافت حکایت، ضبطها بهتری هستند.

در ردیف نُه، ضبط «شگرف» و کاربرد آن برای «تشریف» نسبت به «نیکو» غریب‌تر و صحیح‌تر است.

در ردیف پانزده، ضبط «بهشت» در هیچ یک از نسخ کتاب دیده نمی‌شود و عبارت مذکور، مصراع‌ی است از یک رباعی منسوب به خیّام که به صورت‌های «نه در خور مسجدم نه در خورد کنشت» و «نه لایق مسجدم نه در خورد کنشت» آمده که با توجه به مصراع‌های بعد تقابل «کنشت» و «مسجد» مد نظر شاعر بوده است (ساکت و محمودی، ۱۳۹۶: ۱۶۳-۱۶۴).

۵-۲- عبارات

کتاب	تصحیح جدید	
پاداش نیکی نیکی (اجلالی، ص ۱۱)	نیکی را نیکی آید	۱
سخن به اندازه خود نمی‌گوید. «كَبْرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ» (اجلالی، ص ۷۱)	سخن به اندازه خویش می‌گویند. «كَبْرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ»	۲
در فرط عجلت کاسه طعام بر کتف مبارک حسن علیه‌السلام ریخت (اجلالی، ص ۷۵)	در فرط عجله امثال سر انگشت پایش در سنگ حیرت آمد، قدمش منحرف شد، سر در دوار افتاد کاسه بر کتف حسن ریخت	۳
و اشک از دیده باریدن گرفت (اجلالی، ص ۸۳)	از آن تحسّر اشک می‌بارید	۴

۵	دو درم سیم وام خواست	ده درم سیم قرض خواست (اجلالی، ص ۱۲۲)
۶	فردا هر تنی با خدای زبان به جدل برگشاید	فردا هر تنی زبان برگشاید به حجّت (اجلالی، ص ۱۲۰)
۷	یکی از همسایگان اصمعی... دو درم سیم وام خواست. اصمعی گفت: شاید اما گروهی باید	یکی از همسرایگان اصمعی... ده درم سیم قرض خواست. اصمعی گفت: گروهی بیار تا سیم بدهم (اجلالی، ص ۱۲۲)
۸	سلطان بفرمود تا از جواهری که عزتی داشت دهانش پر کردند	بفرمود تا دهان او پر زر کردند (اجلالی، ص ۱۲۴)
۹	خاقان را چون دیدی	خاقان را چون یافتی (اجلالی، ۱۲۶)
۱۰	گردد فلک تند مرا آخر	گردد فلک تندم آرام آخر (اجلالی، ص ۱۲۹)
۱۱	وقتی بدو انهاء کردند	او را گفتند (اجلالی، ص ۱۲۱)
۱۲	در تو عصیان آورده‌اند	در تو عاصی گشتند (اجلالی، ص ۱۲۱)

در ردیف سه، به احتمال زیاد کاتب/ کاتبان، به دلیل دشواری فهم عبارت و دیریابی جملاتی مانند «سر در دوار افتاد» آن را ساده کرده‌اند.

در ردیف ده، مصحح دچار بدخوانی شده و مصرع را نادرست ضبط کرده است، حال آنکه این مصرع در کلیات شمس تبریزی به صورت «گردد فلک تند مرا رام آخر» آمده است (مولوی، ۱۳۶۱: ۱۵۴/۸).

در ردیف سه، به احتمال زیاد کاتب/ کاتبان، به دلیل دشواری فهم عبارت و دیریابی جملاتی مانند «سر در دوار افتاد» آن را ساده کرده‌اند.

در ردیف ده، مصحّح دچار بدخوانی شده و مصراع را نادرست ضبط کرده است، حال آن‌که این مصراع در کلیات شمس تبریزی به صورت «گردد فلک تند مرا رام آخر» آمده است (مولوی، ۱۳۶۱: ۱۵۴/۸).

۵-۳- امثال و حکایات و اشعار تازه

براساس نسخ کهن تر قرّة العین، امثال و حکایات و ابیاتی در اصل کتاب وجود داشته که در تصحیح اجلالی نیامده است، به این دلیل که دو نسخه مورد استفاده او فاقد آنها بوده است. برای نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

- مثل «مَنْ إِحْتَفَرَ بُرّاً لِأَخِيهِ يَقَعُ فِيهِ»^۹ (براساس نسخه همایی و کتابخانه فاتح)

- مثل «از بد بتر شاید بود»^{۱۰} (براساس نسخ همایی و کتابخانه فاتح، مرعشی و دو نسخه ایاصوفیا)

- مثل «پیرزن را دست بر آلو بن نرسد، گوید ترش است»^{۱۱} (براساس نسخ همایی و کتابخانه فاتح، مرعشی و دو نسخه ایاصوفیا)

- بیت

إِذَا النَّائِبَاتُ بَلَغْنَ الْمَدَى وَكَادَتْ لَهْنٌ تَذُوبُ الْمُهْجِ
وَدَامَ الْبَلَاءُ وَقَلَّ الْجَزَا فَعِنْدَ التَّنَاهَى يَكُونُ الْفَرْجُ^{۱۲}

(براساس نسخ همایی و کتابخانه فاتح، مرعشی)

- بیت

بِذَا قَضَتِ الْأَيَّامَ مَا بَيْنَ أَهْلِهَا مَصَائِبُ قَوْمٍ عِنْدَ قَوْمٍ فَوَائِدُ^{۱۳}
(براساس نسخه همایی و کتابخانه فاتح)

- حکایت زیر براساس نسخه‌های همایی و مرعشی:

حکایت

یکی از فضلا به نزدیک فضل ربیع شد و قصه نبشت و مصالح فلان خیر از وی درخواست. فضل بفرمود تا صد دینار خلیفتی در مهری کردند و بر ظهر مهر نبشت: **إِنَّ هَذَا لِرِزْقِنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ** [ص (۳۸)، ۵۴].

- حکایت زیر براساس نسخ همایی، کتابخانه فاتح، مرعشی و دو نسخه کتابخانه ایاصوفیا

حکایت

محمود وراق دو پسر داشت، یکی بزرگ و یکی خرد. روزی از مکتب ادب هر دو به نزدیکی پدر آمدند. محمود بزرگ‌تر را پیش خواند و جبه و دستاری در او پوشید. غیرتی در باطن پسر خرد اثر کرد. این آیت برخواند: **إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ** [الأنفال (۸)، ۲۸]. مال تو و فرزند تو فتنه تو است. محمود را خنده آمد، گفت **أَلَسْتَ وَوَلَدِي؟** نه تو فرزند منی؟ رکنی از فتنه تو باشی! گفت: **وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ** [فاطر (۳۵)، ۱۹، ۲۰، ۲۱]. محمود از این سرعت جواب و قوت خاطر پسر متحیر بماند. بسی آفرین و ثنا بر او خواند و بفرمود تا جبه و دستاری بهتر از آن بدو دادند.

- بیت:

دیده نظر از برای دیدار تو داشت جان صحبت تو تا به قیامت پنداشت^{۱۴}

(براساس نسخه کتابخانه فاتح)

- قطعه:

اسراف مکن که حاجت آید فردات به هر دنی و هر خس

هم تنگ مگیر نیز چونانک نان تو نبیند از بنه کس^{۱۵}

(براساس نسخ همایی، مرعشی و نسخه دوم کتابخانه ایاصوفیا)

- رباعی:

امروز به کام دل شرابی بخوریم فردا ز غم فلک عتابی بخوریم

کین چرخ فلک به وقت رفتن ما را چندان ندهد امان که آبی بخوریم^{۱۶}

(براساس نسخه‌های کتابخانه فاتح و نسخه اول کتابخانه ایاصوفیا)

- رباعی:

ای دیده مگوی که تو را با دل چیست

و ای دل ز تو چند خواهد این دیده گریست

ای دیده تو عاقبت نمی‌اندیشی

و ای دل تو به عافیت نمی‌دانی زیست

(براساس نسخه‌های کتابخانه فاتح و نسخه اول کتابخانه ایاصوفیا)

نتیجه‌گیری

کتاب قرآلعین یکی از متون کهن و مهم زبان فارسی در زمینه تطبیق امثال عربی و فارسی با یکدیگر و نیز با آیات قرآن است که بیش از چهار دهه از تنها چاپ آن گذشته است. در این جستار تصحیح پیشین این اثر که براساس دو نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملی تبریز فراهم آمده است، مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت و به دلایل زیر نشان داده شد که این تصحیح کامل نیست و کتاب نیازمند تصحیح دوباره است:

۱- دسترسی به نسخ کهن‌تر و صحیح‌تر که برخی از آنها دست کم از نظر تاریخ

کتابت، دو سده قدیمی‌تر از تاریخ کتابت نسخه اساس تصحیح پیشین است؛

۲- ذکر نکردن برخی از نسخه بدل‌های مهم که سبب شده است شماری از

ضبط‌های کهن امثال و عبارات، از نظر دور بماند؛

۳- ثبت نادرست یا ناقص برخی از واژه‌ها یا عبارات نسخه اساس یا نسخه

کتابخانه ملی تبریز؛

۴- عدول بی‌جهت از ضبط نسخه اساس.

در پایان نیز برخی از اختلافات مهم و تأمل‌برانگیز چاپ اجلالی با نسخه‌های

کهن قرآلعین آورده شد تا ضرورت تصحیح مجدد این اثر بیش از پیش، معلوم شود.

یادداشت‌ها

۱. برای نمونه نسخه‌ای از این اثر که در اختیار دهخدا بوده، «قرّة‌العیون» نام داشته است. او در آغاز این نسخه نوشته است: «رساله اول این کتاب قرّة‌العیون نام دارد و بنده گمان می‌کند کتاب بسیار قدیم است و سنایی -علیه الرّحمة- در حدیقه نظر به این کتاب امثال دارد» (قاضی اوش، بی‌تا: برگ ۱۱).
۲. در برخی از نسخه‌های کتاب، یک رباعی و در برخی دیگر، دو رباعی از خیام آمده است.
۳. او در ابتدای نسخه‌ای از این اثر که به شماره ۶۳۵/۱ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و تاریخ کتابت ندارد، عبارتی نوشته است که در یادداشت شماره نخست، به آن اشاره شد.
۴. گفتنی است ردیف‌هایی که درباره آنها اظهار نظری نشده، یا نیازی به توضیح نداشته‌اند و یا به نظر نویسندگان، یکی از دو ضبط نسبت به دیگری مرجح نبوده است.
۵. برای آگاهی بیشتر، رجوع کنید به: مقاله «قرّة‌العیون» از مهدی بیانی که در مجله راهنمای کتاب، سال ۱۳۳۸، شماره پنجم، سال دوم منتشر شده است.
۶. دو نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملی تبریز در مقدمه اجلالی معرفی شده‌اند، لذا از تکرار آنها خودداری کردیم.
۷. نگارندگان در مقاله‌ای دیگر، با عنوان «معرفی کهن‌ترین نسخه شناخته شده قرّة‌العین (کتاب امثال و حکم)» نسخه‌هایی را به‌طور کامل معرفی کرده‌اند که در شماره ۶۱ مجله آینه میراث (پاییز و زمستان ۱۳۹۶) منتشر شده است.
۸. دکتر مهرداد چترایی عزیزآبادی در مقاله‌ای با عنوان «رسائل نویافته و یادداشت‌های پراکنده مندرج در مجموعه دست‌نویس سده هفتم» که در مجله کتاب‌گزار

(سال اول، ش ۲ و ۳، صص ۲۹۷-۳۱۵) به چاپ رسیده، علاوه بر معرفی نسخه همایی، دو رساله از آن را تصحیح کرده است.

۹. این مثل در مجمع‌الامثال، ۳۵۱/۲؛ کتاب‌الامثال، ۲۷۰؛ التمثیل و المحاضرة، ۱۷؛ جمهرة‌الامثال، ۲۸۹/۲؛ المستقصى، ۳۵۴/۲؛ مجمل‌الاقوال، ۴۲۶ (چاپی)، ۱۰۷ پ (عکسی) و امثال و حکم رازی با اندکی تفاوت آمده است.
۱۰. این مثل در مجمع‌الامثال، ۲۰۶ و نغایس‌الفنون، ۱۸۹/۱ با اندکی تفاوت آمده است.

۱۱. این مثل در امثال و حکم دهخدا به نقل از قرّة‌العیون، ۵۲۰/۱؛ داستان‌نامه بهمنیاری، ۲۶۵ و مجمع‌الامثال، ۲۰۷ با اندکی تفاوت آمده است.
۱۲. این بیت در شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین (ع)، ۳۸۵؛ کشکول، ۲۷۰/۲ و مجمل‌الاقوال، ۱۳۷ (چاپی) آمده است.

۱۳. این بیت در دیوان متنبی، ۳۹۹/۱؛ الامثال المولدة، ۴۱۶؛ التذکرة الحمدونیه، ۴۷۸/۲؛ التمثیل و المحاضرة، ۱۱۰، ۱۸؛ جمهرة‌الامثال، ۳۰۶ (فقط مصراع اول)؛ سندبادنامه، ۱۴۲ و امثال و حکم رازی، ۱۱۳ آمده است.

۱۴. بیت دوم این رباعی در دیوان خاقانی ص ۷۰۴ آمده است.
۱۵. بیت نخست این رباعی در دستور‌الوزارة ص ۶۷ با اختلاف در مصراع دوم به صورت: «فردات به هر خسیس و هر خس» آمده است.

۱۶. این رباعی در کتاب رباعیات خیام در منابع کهن در صص ۹۲، ۱۰۶، ۱۵۶، ۱۷۲، ۲۷۲ آمده است. همچنین در کتاب طربخانه، ص ۸۱ به صورت:

زان پیش که از زمانه تابی بخوریم با یکدگر امروز شرابی بخوریم
کاین پیک فلک بگاہ رفتن ما را چندان ندهد امان که آبی بخوریم
در کتاب ترانه‌های خیام، ص ۴۱۸ به صورت:

برخیز ز خواب تا شرابی بخوریم
زان پیش که از زمانه تابى بخوریم
کاین چرخ ستیزه‌روی ناگه
چندان ندهد زمان که آبی بخوریم
روزی

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها:

۱. آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود. (۱۳۸۱). *نقایس‌الفنون فی عرایس‌العیون*. به تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه.
۲. ابن سلّام، الامام الحافظ ابی عبید القاسم. (۱۴۰۰). *کتاب الامثال*. حَقَّقَه و علق علیه و قدّم له: الدكتور عبد المجید قطامش، دمشق، جامعه الملك عبد العزيز.
۳. اصفهانی، محمود بن محمد بن الحسین. (۱۳۶۴). *دستورالوزاره*. مصحّح: رضا انزابی نژاد، تهران، امیر کبیر.
۴. بهائی، بهاء الدین محمد العاملی. (۱۹۸۳/۱۴۰۳). *کشکول*. چاپ ششم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۵. بهمنیار، احمد. (۱۳۶۱). *دستان‌نامه بهمنیاری*. به کوشش فریدون بهمنیار، تهران، دانشگاه تهران.
۶. تبریزی، یار احمد. (۱۳۴۲). *طربخانه: رباعیات حکیم عمر خیّام نیشابوری*، با تصحیح، مقدمه، اضافات و تعلیقات جلال الدین همایی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۷. ثعالبی، أبو منصور عبد الملک بن محمد بن إسماعیل. (۱۹۶۱/۱۳۸۱). *التمثیل و المحاضره*. تحقیق: عبد الفتّاح محمد الحلو، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
۸. حبله رودی، محمد علی. (۱۳۴۴). *مجمع‌الامثال*. ویراسته صادق کیا، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، اداره فرهنگ عامه.

۹. حسینی اشکوری، سید جعفر. (۱۳۹۳). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سریزدی - یزد. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
۱۰. حسینی، سید محمد تقی. (۱۳۹۰). فهرست دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول). تهران: مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۱. حمدون، علی. (۱۹۹۶). التذکرة الحمدونیه. به تحقیق احسان عباس و بکر عباس، بیروت، دار صادر.
۱۲. خاقانی، بدیل بن علی. (۱۳۵۷). دیوان خاقانی شروانی، به کوشش ضیاءالدین سجادی. چاپ دوم، تهران، زوآر.
۱۳. خوارزمی، ابوبکر. (۱۴۲۴). الامثال المولده. به تصحیح محمدحسین اعرجی، ابوظبی، دارالتقافیه.
۱۴. درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۵. _____ . (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. دمانیسی سیواسی، احمد بن احمد. (۱۳۸۱). مجمل الاقوال فی الحکم و الامثال. نسخه برگردانان: ایرج افشار، محمود امیدسالار، تهران، طلایه.
۱۷. دمانیسی سیواسی، احمد بن احمد. (۱۳۹۳). مجمل الاقوال فی الحکم و الامثال. تحقیق و تصحیح فاطمه توکلی رستمی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱۸. دو فوشه کور- هانری، شارل. (۱۳۷۷). *اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری*. ترجمه محمد علی امیرمعزی، عبدالمحمد روح‌بخشان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۳). *امثال و حکم*. چاپ دوازدهم، تهران، امیر کبیر.
۲۰. دهخدا، علی اکبر و همکاران. (۱۳۷۳). *لغتنامه*. تهران، دانشگاه تهران.
۲۱. رازی، محمدبن ابی بکر عبدالقادر. (۱۳۷۱). *امثال و حکم*. با مقدمه شاکر الفحام، ترجمه و تصحیح و توضیح از فیروز حریری، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. الزمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۹۷). *المستقصى فی امثال العرب*. بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۳. ظهیری سمرقندی، محمد بن علی. (۱۳۸۱). *سندبادنامه*. مقدمه، تصحیح و تحقیق: محمد باقر کمال‌الدینی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.
۲۴. العسکری، الشیخ الادیب ابی الهلال. (۱۴۲۰). *جمهره الامثال*. حقه و علق حواشیه و وضع فهارسه: محمد ابوالفضل ابراهیم، عبد المجید قطامش، بیروت، دارالفکر.
۲۵. قاضی اوش. (۷۲۲ هـ. ق.). *قرّة‌العین*. دست‌نویس کتابخانه فاتح به شماره ۴۰۶۴.
۲۶. _____ . (بی‌تا). *قرّة‌العین*. نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۶۳۵/۱ [نسخه مورد استفاده دهخدا].
۲۷. *قرّة‌العین (مشمول بر امثال و حکم فارسی و عربی و نوادر حکایات)*. (۱۳۵۴). به اهتمام امین پاشا اجلالی، تبریز: چاپ شفق.

۲۸. متنبی، احد بن حسین. دیوان. (۱۳۵۷). شرح عبدالرحمن البرقوقی، بیروت: دارالکتاب العربیه.

۲۹. منزوی، احمد. (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.

۳۰. مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۳). کلیات شمس تبریزی. با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

۳۱. میبیدی یزدی، کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین. (۱۳۸۹). شرح دیوان منسوب به امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیهما السلام. مقدمه و تصحیح حسن رحمانی و ابراهیم اشک، تهران، چاپ سوم، دفتر نشر میراث مکتوب.

۳۲. الميدانی، احمد بن محمد بن ابراهیم النیسابوری. (۱۴۰۷). مجمع الامثال. قدم له و علق علیه: نعیم حسین زرور، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۳۳. میرافضلی، سید علی. (۱۳۸۲). رباعیات خیّام در منابع کهن. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ب) مقالات:

۱. آدینه کلات، فرامرز و ساکت، سلمان. (۱۳۹۲). «بازنگری در معنای ملطفه». فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه مجله‌نامه فرهنگستان)، شماره ۵ و ۶، ص ۳۰۹-۳۲۲.

۲. بیانی، مهدی. (۱۳۳۸). «قرّة‌العیون». راهنمای کتاب، شماره پنجم، سال دوم، صص ۶۶۸ - ۶۷۲.

۳. چترایی عزیزآبادی، مهرداد. (۱۳۹۵). «رسائل نویافته و یادداشت‌های پراکنده مندرج در مجموعه دست‌نویس سده هفتم». کتاب‌گزار. سال اول، شماره دوم و سوم، صص ۲۹۷-۳۱۵.

۴. دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۳۹). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات تهران. نشریه نسخه‌های خطی. شماره ۱، سال هشتم، صص ۳۷۸ - ۳۸۳.
۵. ساکت، سلمان و محمودی، زهرا. (۱۳۹۶). «معرفی و بررسی کهن‌ترین نسخه شناخته شده قره‌العین»، آینه میراث، شماره ۶۱، صص ۱۵۵-۱۷۶.
۶. صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۷۳). «بعضی تحولات ناشناخته کلمات عربی در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی، سال یازده، شماره ۱، صص ۲-۱۱.
۷. صفری آق قلعه، علی. (۱۳۹۲). «شعری از بندار رازی در قره‌العین»، گزارش میراث، شماره ۵۸-۵۹، صص ۵۲-۵۴.
۸. صفری آق قلعه، علی. (۱۳۹۳). «قاضی اوش و قره‌العین»، گزارش میراث، شماره ۵۶، صص ۲۶-۲۴.